اعاده فضلیتی در روایت ابن خالد

مطلب دومی که فرمودند این است: گفته‌اند در روایت معمر، ظاهر اولیه «یوم وقوله»، این است که یعنی توفیق الهی نیست. «اما فلا علة و لاشبهة فلا»؛ یعنی این توفیق نیست. این ظاهر، ظاهر قوی‌ای است. لذا فرمودند اگر به قرینه روایت زهری از این ظاهر قوی‌ای که دارد، دست برداریم، آن را قرینه بر معنای توفیق می‌گیریم. ایشان می‌فرمایند اینکه در حدیث فرمودند «فلا» یعنی توفیق نیست، به این معنا است که درجه شدیدهای از استحباب نیست. مراد تاکید استحباب است. یعنی تاکید استحباب در این مورد نیست. و این معنا با مقام پاسخ راوی که «لم» گفت، سازگار است. حضرت فرمودند امروز که ماه مبارک رمضان نیست، چرا روزه گرفته‌ای؟ راوی جواب می‌دهد که چون به توفیق الهی استحباب ویژه‌ای دارد. یعنی توفیق را به استحباب ویژه معنا کرده بود. حضرت هم فرمودند «فلا»، یعنی این استحباب موکد نیست. این هم بخش دوم فرمایش ایشان.

حال من این را در جمع بین روایت سیزدهم با روایت اول باب ششم، عرض می‌کنم. به جای اینکه شما «لا» را به «لاتوفیق» بزنید و بگویید به‌معنای این است که «لا استحباب مؤکداً»، یک معنای دیگرش این است که بگوییم یعنی «لاتوفیق فضیلةً». یعنی شما می‌توانید حتی به توفیق هم بزنید و بگویید حضرت می‌خواهند بگویند که اعاده بکن. چرا؟ چون مواردی هست که اعاده افضل است. چرا؟ چون شما می‌توانید برای طبیعتی که مأمور به بود، افرادی در شدت و کمال را امتثال کنید. سرجایش هم عرض شد که فضا باز است. شاید در چهار-پنج مورد بود که بحث کردیم کجاست که وقتی امتثال کردیم، امتثال عقیب الامتثال ممکن نیست. موارد حسابی هست که امتثال عقیب الامتثال ممکن است. این یکی از آن‌ها است. ولو وقت گذشته است اما حضرت می‌فرمایند «فلا». یعنی اگر بعداً معلوم شد که ماه مبارک بوده، تو اعاده بکن. چرا؟ چون روزهای که آورده‌ای فرد کامل به تمام عیار نبوده است. فرد بهتری هم هست. بنابراین با اینکه «لاتوفیق» قرینه بر این است که بگوییم «لا» یعنی «لااستحباب مؤکدا»، همینطور می‌گوییم چرا آن را از توفیق صرف بدهیم، بلکه می‌گوییم «لا» یعنی «لا توفیق» در اینکه اجزاء به مرتبه کامل انجام شده باشد. «لا» یعنی به‌عنوان افضلیت اعاده بکن. منظور اینکه این هم احتمالش هست.

> 6:54

شاگرد: غرضم این بود: شما که از اجماع و روایات استفاده می‌کنید تا بگویید اجزاء نیست، بعد هم نتیجه می‌گرفتید که من‌خواهد با این «لا»، توفیق را نفی بکند. غرض من این بود که به این صورت معنا می‌کند.

استاد: چرا؟

شاگرد: توفیق ظهور بدوی دارد و از آن دست بر نمی‌داریم. چون حضرت دارند توفیق را نفی می‌کنند.

استاد: توفیق به این معنا است که مستحب است و اگر به این صورت شد، اعاده بکن. «لا» یعنی روزه‌ات را اعاده نکن. مجزی هم هست؛ من نمی‌گویم که بر تو واجب هست که قضا کنی، اما بهتر این است که قضا بکنی. خب این احتمال را چه کار می‌کنید؟ یعنی حضرت وقتی فرمودند «فلا»، باز به توفیق زده می‌شود، دنبالش هم گفت «افطر الآن» و حضرت فرمودند «لا»، دلالت بر صحت روزه می‌کرد. یعنی وقتی روزه صحیح بود، مجزی هم بود. اما به چه درجه‌ای از اجزاء؟ فرد کاملی بود که اجزاء را آورده بود؟ ای یک فردی بود که مجزی بود؟ اگر شما اعاده نمی‌کردید اشکالی نداشت؟ اما مانعی ندارد با اینکه مجزی بود، در مراحل بعدی آن را اعاده کنید. نظیر آن زیاد است. مثلاً در قنوت. به حضرت عرض کرد من قنوت را فراموش کردم، حضرت فرمودند نمازت را اعاده بکن. یعنی در نمازی که خواندی، مستحب مهمی را ترک کردی، ولو مجزی است؛ واجبی را آورده‌ای که مجزی است، اما باز اعاده بکن. یعنی به این مجزایی که درجه پایینی از اجزاء را دارد، اکتفاء نکن. بلکه فرد دیگری را ایجاد بکن؛ یعنی نماز باقنوت بخوان که از آن، اکمل باشد. اینجا هم «لا» دارد؛ یعنی حال که «لاشبهه و لاعلة» است و تو روزه گرفته‌ای، اگر بعداً معلوم شد که مجزی است، اما نه آن اجزاء درجه بالا... .

شاگرد: با این قرائنی که شما فرمودید این «لاعلیه ولا شبهة، فلا»، باز نفی توفیق است؟ یا نفی توفیق را در کردید و می‌گویید احتمال دیگری دارد؟

استاد: من که عرض کردم «لا» را به چه صورت معنا می‌کنم. شما که می‌گویید به جای اینکه به آن بزنیم به نفی تأکد استحباب می‌زنیم، به شما می‌گویم چرا اصلاً خودش را معنا نکنیم؟ که مجبور بشویم به تأکد استحباب بزنیم؟ خودش را معنا کنید به لاتوفیق.

شاگرد: اصلاً معنای همین تأکد استحباب است.

استاد: خلاصه یعنی اعاده بکن یا نکن؟

شاگرد: آن حکم دیگری است. ممکن است باشد یا نباشد. اما اینجا حضرت می‌فرمایند وقتی شبهه و علت هست، توفیق استحباب موکد هست. وقتی علت و شبهه‌ایشبهه‌ای نیست، توفیق نیست، یعنی توفیق استحباب مؤکد نیست.

استاد: صحبت سر این بود که دیگر نباید اعاده کند. پرسید که اعاده بکنم؟ حضرت فرمودند نه، حال که روزه گرفته‌ای «وه یوم وقف له». این «وقف له» یعنی استحباب مؤکد را انجام داده‌ای؟! با این کاری ندارد که تو استحباب مؤکد را انجام داده‌ای یا نه؟ می‌خواهد بگوید «وقف له» یعنی دیگر تمام است.

شاگرد: شما می‌فرمایید «وقف له» ظهور در اجزاء دارد که از ظهور نفی توفیق در اینجا قوی‌تر است. یعنی باید از ظهور اولیه دست برداریم.

استاد: نه، لازم نیست دست برداریم. به بیان افضلیت که گفتم لازم نیست. بله، ظهور قوی‌ای که شما می‌گویید ابتدائاً در عدم توفیق وضعاً هست، به‌نحوی‌که آن روزه مطلقاً مجزی نباشد. آن جور بله، باید با مجموع قرائن از آن دست برداریم. اما اینکه بعد از اینکه ما سراغ این رفتیم که آن روزه صحیح بوده و فضا، فضای استحباب موکد است، استحباب خصوصی است، اجزائی که مطلق دارد اما محلی برای اجزای فرد اکمل هم هست، اگر همه این موارد را در نظر گرفتیم، دیگر از آن ظهور دست برمی‌داریم. به این معنا که لزومی ندارد از آن «لاتوفیق» دست برداریم.

بازبینی #1
ایجاد شده 19 مه 2026 11:05:03 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 مه 2026 11:05:49 توسط ... .